

در پی حوادث و اغتشاشات پاییز گذشته، گزارش‌هایی از بدحالی دانش‌آموزان در برخی مدارس کشور واصل شد و بتدریج روند صعودی به خود گرفت. موضوع قابل تأمل از آغاز اتفاقات این بود که نسبتی معکوس بین فروکش نمودن تدریجی اغتشاشات موصوف و بالا گرفتن شتابان رویدادهای منجر به اعلام بدحالی دانش‌آموزان وجود داشت. این موضوع، بویژه با عنایت به جامعه هدف (نوجوانان و کودکان معصوم)، از همان ابتدا توجه خاص ریاست محترم جمهوری را جلب کرد و بلافاصله دستورات مؤکدی به وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش صادر کرد

بیانیه تبیینی وزارت اطلاعات درباره منشأ حوادث اخیر در برخی مدارس کشور

شیطنت بچه‌ها، خباثت دشمنان



حصول اطمینان تام، چنان یافته‌هایی به سایر مصداق گزارش شده تعمیم داده نمی‌شد بلکه هر گزارش، به طور جداگانه و جدی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گرفت. به عنوان مثال نتیجه بررسی نخستین حادثه اعلام شده (شهرستان نور) حاکی بود که یکی از دانش‌آموزان دختر، با هدف به تعطیلی کشاندن آموزشگاه، گاز فلفل در کلاس درس منتشر کرده بود. از همین دست نتایج پیرامون حوادث اعلام شده بعدی نیز حاصل می‌شد. کلا در ایجاد یا القای بدحالی در آموزشگاه‌های مختلف کشور ۵ دسته از عوامل کشف شدند که ذیلاً به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرند: ۱/۴- بمبک بدبو: بخشی از موارد گزارش شده مربوط به استفاده از عاملی است که به «بمبک بدبو» معروف شده است. این عامل که در بازار و بویژه در سکوهای خرید و فروش اینترنتی به فراوانی وجود داشت، پس از استعمال در محیط‌ها موجب پراکندن بوی نامطبوعی می‌شود و معمولاً برای شوخی و تفریح‌های ناسالم و نامتعارف مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. در بررسی بازار خرید و فروش آن مشخص شد که در بازه زمانی حدود ۳ ماهه، سیمند نفر اقدام به خرید آن کرده بودند که بلافاصله کار شناسایی خریداران مورد بحث آغاز، غالب آنها شناسایی و افرادی که با کاربست آنها، موجب ایجاد هراس شده بودند، بازداشت شدند.

۲/۴- از دیگر موارد تعدمی، بهره‌برداری از افشانه‌های آشکار و گاز فلفل و نظایر آن در محیط‌های آموزشی به قصد شیطنت، بازیگوشی، دیگر آزاری و تعطیل نمودن کلاس‌ها بوده است. در این قبیل موارد نیز با کشف قطعی‌های افشانه و بازداشت عوامل استعمال آنها، التهاب در محیط آموزشی فروکش کرد. ۳/۴- در موارد متعددی وجود یک عاملی بودار در محیط یا اطراف آن موجب ایجاد هراس شده است. از جمله مصداق کشف‌شده که موجب گزارش به اورژانس، آتش‌نشانی، پلیس و حتی انتقال به درمانگاه شده عبارتند از: پراکندن گاز خودرو با روش‌های دستی و غیراستاندارد، قطع و وصل گاز شهری و نشستی مقداری گاز در محیط، آتش زدن ضایعات در زمین کنار مدرسه و انتشار دود در حیاط آن، استفاده از حشر کش، تشریح گاو، پارک نمودن ناگهانی حامل تانکر آفت‌کش، یکی از دبیرستان‌ها و بازگذاشتن دریاچه‌های روی تانکر برای عدم تراکم گاز آن و مواردی دیگر از این قبیل.

۴/۴- در تعدادی از موارد مشکوفاه، وجود اهداف ضدامنیتی و ضمردمی اجراء شده است. به این ترتیب که یک یا تعدادی از شیوه‌های پیش‌گفته یا هدف ایجاد ناامنی یا دامن‌زدن به انگاره ضعف امنیت در کشور، ایجاد التهاب و آشوب و اعتراض به منظور قلیمبرداری

و انعکاس به شبکه‌های فارسی زبان معناد یا با هدف ایجاد تجمع در مقابل آموزشگاه‌ها انجام شده است. عوامل این قبیل موارد غالباً بازداشت و تحویل مرجع قضایی شدند. ۵/۴- عاملی هراس جمعی: هراس جمعی (هیستری جمعی) شکلی از اختلال رواندار است که معمولاً از یک نفر شروع و به سرعت در جمعی از افراد می‌شود. این اختلال زمانی رخ می‌دهد که افراد یک اجتماع به طور همزمان تحت تأثیر یک محرک تنش‌زا واقع می‌شوند حتی در بی‌این عارضه

برخی علامت فیزیکی ناشی از تنش‌های ذهنی نیز بروز پیدا می‌کند و در حقیقت افراد به‌طور ناگهانی اعتقاد پیدا می‌کنند که توسط یک عامل خارجی بیمار شده‌اند. اگرچه اغلب موارد هراس جمعی در ابتدا به عنوان مسمومیت، حمله شیمیایی یا بیوتروریسم تلقی می‌شود ولی بررسی‌ها هیچ اثری از توکسین یا عامل شیمیایی را نشان نمی‌دهد و در کلیه موارد، بدحالی‌ها به سرعت و بدون کوچک‌ترین عوارضی بهبود می‌یابند. این عارضه نه مختص مقطع فعلی و نه منحصر به کشور ماست. نمونه‌های تاریخی (از تاریخ قدیم و معاصر) و جغرافیایی (از اداهای مختلف جهان) و مصداق فراوانی دارد. من‌جمله در سال‌های ۱۹۶۲ و ۲۰۰۸ در تانزانیا؛ ۱۹۶۵ در انگلستان؛ ۱۹۶۶، ۱۹۸۸، ۲۰۰۲، ۲۰۱۱ در آمریکا؛ ۱۹۸۳ در کرانه باختری؛ ۱۹۹۰ در کوووز؛ ۱۹۹۳ در مصر؛ ۲۰۰۶ در پرتغال؛ ۲۰۰۷ در برزیل؛ ۲۰۱۰ در بروتی؛ ۲۰۱۳ در سریلانکا و ۲۰۱۸ در امارات.

در کشورمان نیز مصداق‌هایی از کرمان در سال‌های ۱۳۶۵ (۱۳۷۱؛ یزد در سال ۱۳۳۳ و سردشت در سال ۱۳۸۱) وجود داشته است. نکته قابل توجه آنکه در مصداق‌های ایرانی و جهانی عارضه و عارضه‌شناسی مطرح می‌شوند. همچنین بیشترین فراوانی در عامل شروع‌کننده، وجود یک بو در محیط یا ادراک بویایی غیرواقعی، شروع‌کننده ایجاد هراس جمعی بوده است. مکان رخداد این پدیده غالباً در مدارس بوده است. سن غالب، زیر ۲۰ سال؛ جنسیت متبلیان به این عارضه غالباً در دختران بوده است. مدتی پس از آغاز رویدادهای ماه‌های گذشته در مدارس کشور، تعدادی از حادترین پزشکان و روان‌شناسان ایرانی، فرضیه هراس جمعی را مطرح نمودند. بررسی‌های دقیق میدانی، آزمایشگاهی و معاینات بالینی صورت گرفته برای تعداد قابل توجهی از مدارس اثبات کرد.

۵- یافته‌های میدانی، آزمایشگاهی و نتایج بررسی‌های ستادی و مطالعات آماری وقایع: ۱/۵- در هیچ یک از یافته‌های صحنه‌ای و بررسی‌های آزمایشگاهی در معتبرترین آزمایشگاه‌های کشور، هیچ‌گونه ماده سمی که قابلیت ایجاد مسمومیت را دارا باشد، مشاهده نشد. ۲/۵- به فضل الهی هیچ مورد فوتی یا عوارض جسمانی مانا و بلندمدت وجود نداشته است. ۳/۵- در اکثر قریب به اتفاق روش‌های درمانی اعمال شده برای مراجعاتی که اعلام بدحالی نموده و به درمانگاه‌های مختلف مراجعه کرده‌اند، صرفاً درمان‌هایی در حد دریافت اکسیژن، سرم و داروهای آرام‌بخش بوده است.

۴/۵- میانگین حضور مراجعان در درمانگاه‌ها حدود ۲ ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آنها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن هم به‌دلیل اضطراب). ۵/۵- اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از «اسرائیل به فارسی» و دیگر کلاس‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان دادند که از تیرماه ۲۰۱۰، ۲ کانال و صفحه مشخصی مبادرت به ارتباط‌گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آنها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی که در ترویج دروغ مسمومیت ایفا کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذری‌ربط بازداشت شدند. ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، خط «فرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصداق دیگر در اواخر مهرماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید. پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید به مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و آیدای داخلی آنها تولید و منتشر شدند.

۲/۶- امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه در همان آغاز، با شیوه و حمی که بیانگر آمادگی قبلی می‌باشد، به صحنه ورود نموده و به موج افروزی کم‌سابقه پیرامون موضوع و مته‌م‌سازی نظام به ناکارآمدی پرداختند و در نهایت نظام را به‌نصون عامل ایجاد مسمومیت در مدارس دخترانه معرفی کردند! جریان تحریف با روایت‌سازی مجعول، ادیبانه همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» را تولید و ترویج کرد. علاوه بر آن به‌مناسبت‌سازی از رویدادهای حوادثی همچون برخی اسپدپاشی‌ها در گذشته و همانندسازی با برخی رفتارها و تصمیمات گروه طالبان درباره تحصیل و اشتغال زنان و تولید انگاره‌های ذهنی از «انتقام نظام از زنان به دلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و...» پرداختند. ۳/۶- همزمان با جریان مسلط رسانه‌های اردوگاه دشمن، متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و انسان‌رسانه‌های وابسته و بعضی تریبون‌های خاص در مرکز و برخی استان‌ها و تعدادی از سیاسیون امتحان پس داده و مردود شده و عوامل فتنه ۸۸، همان خطوط ابلاغی امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه را، عیناً در پیش گرفتند. در میان این جماعت، گروهی وجود دارند که پیش از این و در انتخابات سال ۸۸ نظام را مته‌م به تقلب، در حوادث ۹۶ و ۹۸ حاکمیت را مته‌م اصلی آشوب و عامل کشتار، در حادثه تروستی قبیح و دلخراش حرم شاهچراغ سلام‌الله علیه نظام را عامل آن واقعه ققیب در شناسایی و بازداشت تروستی‌های تکفیری)، در رویداد تلخ درگذشت دختری در محل پلیس امنیت اخلاقی و در مجموعه اغتشاشات پس از آن و کشته شدن تعدادی از هموطنان، در همه این رویدادهای و سوانح و حوادث، نظام مظلوم جمهوری اسلامی یا نیروهای بسیجی و جریانات معتقد و حامی نظام را به‌عنوان عامل مستقیم انجام جنایت معرفی می‌کردند. مضاف بر اینها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل وقایع پیش‌گفته، به‌دنبال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و سنین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و مته‌م‌سازی نظام بود. این جریان علاوه بر کشته‌سازی‌های متعدد و متنوع مقطع اغتشاشات ۱۴۰۱، در جریان مسمومیت‌های ادعایی مدارس، چندین تلاش برحجم به‌عمل آورد که جنگلی با شکست مواجه شد. به‌عنوان نمونه فوت تاسفبار دختر نوجوان قعی، مرحومه فاطمه رضایی بر اثر بیماری، موجب سوءاستفاده‌ی بی‌رحمانه و ناجوانمردانه جریانات معاند داخلی و خارجی شد. سرمایه‌گذاری برق‌آسایی برای این واقعه غم‌انگیز به‌عمل آوردند تا آنجا که در روز اول انتساب این درگذشت به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتک به‌نام فاطمه رضایی، از سوززه قبلی آنها پیشی گرفت اما توضیحات صدقانه و بهنگام خانواده محترم رضایی، سبب رسواشدن جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعتی پس از انتشار شایعه فوت آن مرحومه و اوج‌گیری انتشار محتوا با نام وی، هشتک‌ها می‌را شد. پس از این ناکامی، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتک‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین

۴/۵- میانگین حضور مراجعان در درمانگاه‌ها حدود ۲ ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آنها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن هم به‌دلیل اضطراب). ۵/۵- اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از «اسرائیل به فارسی» و دیگر کلاس‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان دادند که از تیرماه ۲۰۱۰، ۲ کانال و صفحه مشخصی مبادرت به ارتباط‌گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آنها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی که در ترویج دروغ مسمومیت ایفا کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذری‌ربط بازداشت شدند. ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، خط «فرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصداق دیگر در اواخر مهرماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید. پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید به مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و آیدای داخلی آنها تولید و منتشر شدند.

۲/۶- امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه در همان آغاز، با شیوه و حمی که بیانگر آمادگی قبلی می‌باشد، به صحنه ورود نموده و به موج افروزی کم‌سابقه پیرامون موضوع و مته‌م‌سازی نظام به ناکارآمدی پرداختند و در نهایت نظام را به‌نصون عامل ایجاد مسمومیت در مدارس دخترانه معرفی کردند! جریان تحریف با روایت‌سازی مجعول، ادیبانه همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» را تولید و ترویج کرد. علاوه بر آن به‌مناسبت‌سازی از رویدادهای حوادثی همچون برخی اسپدپاشی‌ها در گذشته و همانندسازی با برخی رفتارها و تصمیمات گروه طالبان درباره تحصیل و اشتغال زنان و تولید انگاره‌های ذهنی از «انتقام نظام از زنان به دلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و...» پرداختند. ۳/۶- همزمان با جریان مسلط رسانه‌های اردوگاه دشمن، متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و انسان‌رسانه‌های وابسته و بعضی تریبون‌های خاص در مرکز و برخی استان‌ها و تعدادی از سیاسیون امتحان پس داده و مردود شده و عوامل فتنه ۸۸، همان خطوط ابلاغی امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه را، عیناً در پیش گرفتند. در میان این جماعت، گروهی وجود دارند که پیش از این و در انتخابات سال ۸۸ نظام را مته‌م به تقلب، در حوادث ۹۶ و ۹۸ حاکمیت را مته‌م اصلی آشوب و عامل کشتار، در حادثه تروستی قبیح و دلخراش حرم شاهچراغ سلام‌الله علیه نظام را عامل آن واقعه ققیب در شناسایی و بازداشت تروستی‌های تکفیری)، در رویداد تلخ درگذشت دختری در محل پلیس امنیت اخلاقی و در مجموعه اغتشاشات پس از آن و کشته شدن تعدادی از هموطنان، در همه این رویدادهای و سوانح و حوادث، نظام مظلوم جمهوری اسلامی یا نیروهای بسیجی و جریانات معتقد و حامی نظام را به‌عنوان عامل مستقیم انجام جنایت معرفی می‌کردند. مضاف بر اینها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل وقایع پیش‌گفته، به‌دنبال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و سنین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و مته‌م‌سازی نظام بود. این جریان علاوه بر کشته‌سازی‌های متعدد و متنوع مقطع اغتشاشات ۱۴۰۱، در جریان مسمومیت‌های ادعایی مدارس، چندین تلاش برحجم به‌عمل آورد که جنگلی با شکست مواجه شد. به‌عنوان نمونه فوت تاسفبار دختر نوجوان قعی، مرحومه فاطمه رضایی بر اثر بیماری، موجب سوءاستفاده‌ی بی‌رحمانه و ناجوانمردانه جریانات معاند داخلی و خارجی شد. سرمایه‌گذاری برق‌آسایی برای این واقعه غم‌انگیز به‌عمل آوردند تا آنجا که در روز اول انتساب این درگذشت به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتک به‌نام فاطمه رضایی، از سوززه قبلی آنها پیشی گرفت اما توضیحات صدقانه و بهنگام خانواده محترم رضایی، سبب رسواشدن جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعتی پس از انتشار شایعه فوت آن مرحومه و اوج‌گیری انتشار محتوا با نام وی، هشتک‌ها می‌را شد. پس از این ناکامی، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتک‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین

۴/۵- میانگین حضور مراجعان در درمانگاه‌ها حدود ۲ ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آنها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن هم به‌دلیل اضطراب). ۵/۵- اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از «اسرائیل به فارسی» و دیگر کلاس‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان دادند که از تیرماه ۲۰۱۰، ۲ کانال و صفحه مشخصی مبادرت به ارتباط‌گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آنها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی که در ترویج دروغ مسمومیت ایفا کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذری‌ربط بازداشت شدند. ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، خط «فرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصداق دیگر در اواخر مهرماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید. پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید به مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و آیدای داخلی آنها تولید و منتشر شدند.

۲/۶- امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه در همان آغاز، با شیوه و حمی که بیانگر آمادگی قبلی می‌باشد، به صحنه ورود نموده و به موج افروزی کم‌سابقه پیرامون موضوع و مته‌م‌سازی نظام به ناکارآمدی پرداختند و در نهایت نظام را به‌نصون عامل ایجاد مسمومیت در مدارس دخترانه معرفی کردند! جریان تحریف با روایت‌سازی مجعول، ادیبانه همچون «حملات شیمیایی و بیولوژیک به مدارس» را تولید و ترویج کرد. علاوه بر آن به‌مناسبت‌سازی از رویدادهای حوادثی همچون برخی اسپدپاشی‌ها در گذشته و همانندسازی با برخی رفتارها و تصمیمات گروه طالبان درباره تحصیل و اشتغال زنان و تولید انگاره‌های ذهنی از «انتقام نظام از زنان به دلیل اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ و...» پرداختند. ۳/۶- همزمان با جریان مسلط رسانه‌های اردوگاه دشمن، متأسفانه برخی رسانه‌های داخلی و انسان‌رسانه‌های وابسته و بعضی تریبون‌های خاص در مرکز و برخی استان‌ها و تعدادی از سیاسیون امتحان پس داده و مردود شده و عوامل فتنه ۸۸، همان خطوط ابلاغی امپراتوری رسانه‌های جریان سلطه را، عیناً در پیش گرفتند. در میان این جماعت، گروهی وجود دارند که پیش از این و در انتخابات سال ۸۸ نظام را مته‌م به تقلب، در حوادث ۹۶ و ۹۸ حاکمیت را مته‌م اصلی آشوب و عامل کشتار، در حادثه تروستی قبیح و دلخراش حرم شاهچراغ سلام‌الله علیه نظام را عامل آن واقعه ققیب در شناسایی و بازداشت تروستی‌های تکفیری)، در رویداد تلخ درگذشت دختری در محل پلیس امنیت اخلاقی و در مجموعه اغتشاشات پس از آن و کشته شدن تعدادی از هموطنان، در همه این رویدادهای و سوانح و حوادث، نظام مظلوم جمهوری اسلامی یا نیروهای بسیجی و جریانات معتقد و حامی نظام را به‌عنوان عامل مستقیم انجام جنایت معرفی می‌کردند. مضاف بر اینها، خط و جریان «کشته‌سازی» در کل وقایع پیش‌گفته، به‌دنبال تولید کشته و فراهم آوردن جسد، آن هم از دختران و سنین کودک و نوجوان، برای ایجاد تنش‌های عاطفی در جامعه و مته‌م‌سازی نظام بود. این جریان علاوه بر کشته‌سازی‌های متعدد و متنوع مقطع اغتشاشات ۱۴۰۱، در جریان مسمومیت‌های ادعایی مدارس، چندین تلاش برحجم به‌عمل آورد که جنگلی با شکست مواجه شد. به‌عنوان نمونه فوت تاسفبار دختر نوجوان قعی، مرحومه فاطمه رضایی بر اثر بیماری، موجب سوءاستفاده‌ی بی‌رحمانه و ناجوانمردانه جریانات معاند داخلی و خارجی شد. سرمایه‌گذاری برق‌آسایی برای این واقعه غم‌انگیز به‌عمل آوردند تا آنجا که در روز اول انتساب این درگذشت به مسمومیت مدارس، با ذوق‌زدگی رکورد فعالیت‌های پیشین خود را شکستند و تعداد انتشار هشتک به‌نام فاطمه رضایی، از سوززه قبلی آنها پیشی گرفت اما توضیحات صدقانه و بهنگام خانواده محترم رضایی، سبب رسواشدن جریان معاند و شکست سنگین این پروژه گردید. این شکست چنان بود که ساعتی پس از انتشار شایعه فوت آن مرحومه و اوج‌گیری انتشار محتوا با نام وی، هشتک‌ها می‌را شد. پس از این ناکامی، جریان ضدانقلاب بلافاصله هشتک‌های حمله شیمیایی و حمله بیولوژیک را جایگزین

۴/۵- میانگین حضور مراجعان در درمانگاه‌ها حدود ۲ ساعت بوده است و تعداد بسیار اندکی از آنها بستری کوتاه مدت شده‌اند (آن هم به‌دلیل اضطراب). ۵/۵- اظهارات متفاوت دانش‌آموزان یک کلاس از «اسرائیل به فارسی» و دیگر کلاس‌های مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی ارسال کرده بود. بررسی‌های بعدی نشان دادند که از تیرماه ۲۰۱۰، ۲ کانال و صفحه مشخصی مبادرت به ارتباط‌گیری و شبکه‌سازی در میان تعدادی از دانش‌آموزان مدارس اعلام‌کننده بدحالی در قم کرده بودند. شماری از عوامل مذکور شناسایی و پس از اثبات و مستندسازی ارتباط آنها با حساب‌های کاربری یادشده و نقشی که در ترویج دروغ مسمومیت ایفا کرده بودند، با حکم مرجع قضایی ذری‌ربط بازداشت شدند. ادامه تحقیقات نشان داد که شبکه آمریکایی - صهیونیستی موسوم به «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱، خط «فرستادن دانش‌آموزان به مدرسه» را دنبال کرده است. در مصداق دیگر در اواخر مهرماه، اشاره مستقیم عوامل دشمن به «مسمومیت دانش‌آموزان دختر بدون گذاشتن رد آشکار» در یکی از اتاق‌های خصوصی ضدانقلاب در کلاب‌هاوس کشف گردید. پس از آن ده‌ها هزار پیام با مضمون جلوگیری از فرستادن دانش‌آموزان به مدارس، تعطیلی مدارس، تهدید به مسمومیت و هراس افکنی نسبت به مدارس، در سکوها و شبکه‌ها و حساب‌های کاربری گروهک‌های ضدانقلاب و عوامل رژیم صهیونیستی و آیدای داخلی آنها تولید و منتشر شدند.

هشتک میرا شده کردند!

۴/۶- موضع‌گیری بیگانگان و سازمان‌های بین‌المللی همچون همه‌گانه‌های مورد علاقه یا تولید شده توسط بیگانگان، در ماجرای مسمومیت‌های ادعایی نیز پس از آتش تهیه سنگین توپخانه‌های جنگ رسانه‌ای غربی و آیدای آنها، مقامات و دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دنباله‌رو آنان وارد شدند. صرف‌نظر از ده‌ها مصداق حاصل از روش‌های جمع‌آوری پنهان که از پشت پرده‌های اقدامات به مواضع آشکار کانون‌های مورد اشاره نیز می‌تواند گویای ذوق‌زدگی از وقوع برخی رویدادهای مدارس و سوءاستفاده از آنها باشد. به‌عنوان نمونه سفیر انگلستان در تهران ضمن اعلام ظاهری همدردی با خانواده‌های ایرانی، بلافاصله سریالی بودن مسمومیت‌ها را القا و از «پایان‌ناپذیر بودن آنها» خبر می‌دهد (...مسمومیت‌های سریالی که تمامی ندارد). نمونه دیگر، اظهارات وزیر خارجه آلمان بود که دلیل مسمومیت‌های ادعایی را «حملات با گاز شیمیایی» تشخیص و اعلام می‌نماید! البته حافظه تاریخی ملت ایران

با تخصص دولت آلمان در تولید و بهره‌برداری از گازهای شیمیایی در تسلیحات نامتعارف و صدور آن برای بعضی‌ها در زمان حمله آنها به ایران، کاملاً آشناست. از همین دست، قضاوت رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان رژیم مافیایی آمریکا است که او نیز عمدی بودن اتفاقات و گاز سمی بودن مواد را ادعا می‌نماید. پارلمان اروپا در اسفندماه گذشته با تصویب قطعنامه‌ای ضمن طرح اتهامات داهی و بی‌اساس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، «مسمومیت دانش‌آموزان دختر در ایران را به سبب کشتن زنان و دختران در ایران مرتبط دانسته» و آن را محکوم می‌کند! کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل بر ضرورت «تحقیقات شفاف و مجازات عاملان مسمومیت دانش‌آموزان در ایران» تأکید می‌نماید. فارغ از اینکه مراجع قضایی ایران هر جنایت‌کاری را محاکمه و مجازات نمایند، همین دار و دسته ریاکار، به حمایت از محکومان و جنایتکاران بر می‌خیزند. این قبیل اعلام نگرانی‌ها و همدردی‌های مزورانه در حالی است که عوامل همه عملیات تروریستی گذشته علیه ملت مظلوم ایران در خاک آمریکا، اروپا و کانادا حضور دارند و تحت‌الحمايه رسمی دولت‌های آن کشورها هستند. مضاف بر این، هم‌اکنون و در ماجرای «مسمومیت‌های القایی مقامات غربی» نیز عواملی در خاک کشورهای فوق‌الذکر زندگی می‌کنند که به‌صورت کاملاً آشکار و با آزادی کامل، روش‌های ایجاد مسمومیت و مسمومیت در مدارس دخترانه، آن هم تحت عنوان «خبرابکاری شرافتمندانه» را آموزش می‌دهند و این اعمال مجرمانه

رسماً به اطلاع رژیم‌های یادشده رسیده اما آنها نه تنها هیچ اقدام بازدارنده‌ای به عمل نیاوردند، بلکه مجرمان را هر چه بیشتر تحت حمایت مادی، معنوی و امنیتی خویش قرار دادند. ۷- سختی آخر و جمع‌بندی پایانی ۱/۷- نتیجه جمعی تحقیقات پیرامون موارد مجهولی که در ابتدا هدف‌گذاری شدند به این شرح است: الف) مواد سمی در هیچ‌یک از مدارس کشور پخش نشده است اما عوامل غیرسمی که موجب ایجاد هراس شده‌اند، به‌طور سهوی یا تعدمی در برخی از محیط‌های گزارش شده، استعمال شده است.

ب) درباره عوامل انسانی، افراد متعددی که مته‌م به کاربست مواد فوق‌الذکر بودند شناسایی، احضار یا بازداشت شدند و به تناسب تخلفات یا جرایم خود، مورد تذکر، تسکین سابقه یا معرفی به مرجع محترم قضایی قرار گرفتند. ج) قطعاً شبکه انتشار مواد مسموم‌کننده در کشور، وجود نداشته اما شبکه‌های متعدد در فضای مجازی (از داخل یا خارج از کشور) به تولید و انتشار شایعات، دامن‌زدن به مدرسه‌های، تلاش برای تعطیلی مدارس، به اعتراض به کشاندن اولیای دانش‌آموزان، مته‌م‌سازی تعدمی نظام جمهوری اسلامی و افراد و جریانات معتقد به نظام، به تعداد قابل توجهی ردیابی و شناسایی شدند که جنگلی آنها تحت تعقیب قرار گرفته یا خواهند گرفت.

۲/۷- نقش عامل قرار جمعی در بسیاری از وقایع مورد نظر، انکارناپذیر می‌باشد. ۳/۷- ایفای نقش دشمن در دامن‌زدن به غائله، کاملاً محرز و انکارناپذیر است. اعم از افراد، کانون‌ها، گروهک‌ها و حساب‌های کاربری و رسانه‌های جریان مسلط رسانه‌ای غربی (به ویژه فارسی‌زبان‌ها) که در چند ماه گذشته این موضوع را هدف و سوززه اصلی خویش قرار داده بودند و نیز تعدادی از سیاسیون بیگانه و نهادهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی که نقش آتش‌بیار معرکه را ایفا کردند، هر یک حلقه‌ای از زنجیره جنگ ترکیبی را تشکیل دادند.

۴/۷- با توجه به مجموعه آثار منفی و مخرب موضوع مسمومیت‌های ادعایی بر جامعه بویژه بر دانش‌آموزان و نونهالان کشور و اولیا محترم آنها و بر درس و تحصیل و بدون افاضای عوامل دامن‌زننده به آن می‌باشد. ۵/۷- حق پیگرد قانونی افراد، گروه‌ها، رسانه‌ها و انسان‌رسانه‌های وابسته‌ای که در امتداد خرد دانش‌آموزان استنداعا دارند که ایران، اتهاماتی به نظام یا به افراد و جریانات بی‌گناه وارد کردند، محفوظ خواهد بود.

۶/۷- از آنجا که دشمنان ایران و اسلام در هر صورت و به هر شکلی دشمنی خود را بروز می‌دهند، از مردم شریف ایران، بویژه از اولیای محترم دانش‌آموزان استنداعا دارد که همچون گذشته، با حفظ آرامش و هوشیاری حداکثری، هرگونه موارد مشکوک را به ستاد خبری وزارت اطلاعات (۱۱۳) یا به سایر دستگاه‌های امنیتی و انتظامی کشور اعلام فرمایند.

گروه سیاسی: وزارت اطلاعات درباره حوادث رخ داده در مدارس کشور، بیانیه‌ای تبیینی صادر کرد که در آن تأکید شده است: مواد سمی در هیچ‌یک از مدارس کشور پخش نشده است اما عوامل غیرسمی که موجب ایجاد هراس شده‌اند، به‌طور سهوی یا تعدمی در برخی محیط‌های گزارش شده که استعمال شده است. متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

در پی حوادث و اغتشاشات پاییز گذشته، گزارش‌هایی از بدحالی دانش‌آموزان در برخی مدارس کشور واصل شد و بتدریج روندی صعودی به خود گرفت. موضوع قابل تأمل از آغاز اتفاقات این بود که نسبتی معکوس بین فروکش نمودن تدریجی اغتشاشات موصوف و بالا گرفتن شتابان رویدادهای منجر به اعلام بدحالی دانش‌آموزان وجود داشت. این موضوع، بویژه با عنایت به جامعه هدف (نوجوانان و کودکان معصوم)، از همان ابتدا توجه خاص ریاست محترم جمهوری را جلب کرد و بلافاصله دستورات مؤکدی به وزارتخانه‌های کشور، اطلاعات، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش صادر کردند. پیگیری‌ها تحت مدیریت وزیر محترم کشور آغاز شد. وزارت اطلاعات نیز با تمرکز فزاینده بر موضوع، بدون اعلام عمومی (که موجب نگرانی جامعه یا هوشیاری عوامل احتمالی اتفاقات شود) همه توان اطلاعاتی، امنیتی، فنی، عملیاتی و آزمایشگاهی خود را برای کشف علل و عوامل بسیج نمود. مشابه همین توجه و تمرکز از سوی سایر دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی کشور اعمال شد. در بدو مأموریت، ۴ مجهول پیش‌روی افسران اطلاعاتی این وزارتخانه قرار گرفت. چسبستی مودی که موجب بدحالی دانش‌آموزان شده‌اند؛ عوامل انسانی یا فنی اقدامات؛ شبکه‌ای که توانایی اقدام در گستره‌ای وسیع را دارا باشد؛ در غیر موارد ذکر شده، چه علل و عوامل دیگری موجب رویدادهای مورد بحث شده‌اند؟ به این ترتیب یکی از محسوس‌ترین و دشوارترین مأموریت‌های سال گذشته سربازان گمنام امام زمان (عج) آغاز شد. اینک با جمع‌آوری اطلاعات موثق و مصداق فراوان از گسترده‌ترین عملیات رصد و پایش اطلاعاتی - امنیتی کشور و با مطالعات علمی تخصصی و تحلیل و ترکیب داده‌ها، نتیجه نهایی مجموعه تحقیقات را به استحضار ملت شریف ایران می‌رساند:

۱- نخستین گزارش اعلام مسمومیت در تاریخ ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱ از شهرستان نور استان مازندران به ثبت رسیده است. پس از آن در تاریخ ۹ آذرماه ۱۴۰۱، گزارش‌های مشابه از یکی از هنرستان‌های دخترانه استان قم داده شد و متعاقب آن، گزارشاتی غالباً همانند در ماه‌های آذر،

بهمن و اسفند به ثبت می‌رسند. از اوایل اسفند ماه، موضوع به سایر استان‌ها تسری می‌یابد و گزارشاتی مشابه از استان‌های دیگر واصل می‌شود. این گزارش‌ها تا هشتم اسفندماه ۱۴۰۱ رشدی با اهنگ ملایم و گاهی با رشد منفی همراه بود اما از هشتم اسفند، با رشد شغلی فزاینده مواجه می‌شود و نهایتاً در چهاردهم اسفند به اوج خود می‌رسد. در تاریخ پانزدهم اسفند، رهبر حکیم انقلاب اسلامی مدظله‌العالی موسعی آشکار، صریح و قاطع در قبال موضوع اتخاذ فرمودند. بیانات معظم‌له، از سویی تمرکز بیش از پیش دستگاه‌ها بر موضوع را در پی داشت و از سوی دیگر موجب حضور آشکارتر نیروهای حافظ امنیت در پیرامون محیط‌های آموزشی بود که همزمان شدن این عوامل با پایان اسفندماه و تعطیلی مدارس، برای مدتی غائله را خاموش نماید. پس از بازگشایی مدارس در سال ۱۴۰۲، به‌طور جسته و گریخته گزارش‌هایی از ادعای مسمومیت منتشر شدند که البته محدود و کم‌مقی‌تر از پیش بودند. ۲- در مقطعی که ادعاهای بدحالی روند صعودی داشتند و به موازات افزایش این قبیل گزارشات، ورود دستگاه‌های مختلف ذری‌ربط به موضوع نیز افزایش و تمرکز بر ایجاد آن عمق بیشتری می‌یافت. بتدریج بررسی و چاره‌اندیشی کار و انجام اقدامات شده از دستگاه‌های مرتبط منظم‌تر

به شورای تأمین شهر و شهرستان و استان؛ و در مرحله بعدی به شورای امنیت کشور و نهایتاً به شورای عالی امنیت ملی کشور کشیده شد. در تمام آن مقطع گزارشات اقدامات، بررسی‌ها و یافته‌های علاوه بر روش‌های پیش‌گفته، به استحضار مقام معظم رهبر مدظله‌العالی و ریاست محترم جمهوری و دیگر سران قوا می‌رسید و دستورات آن مقامات مبتنی بر اولویت دادن به موضوع و گسترش و تعمیق اقدامات پیشگیرانه به اجرا گذاشته می‌شد. ۳- نوع رصد و پایش‌های اعمال شده از نخستین روزها، بسیار متنوع و فراگیر بود و با گذشت زمان، با گسترش اقدامات در سطوح، واکاوی هر چه بیشتر در عمق، پایش دقیق‌تر پشت صحنه‌ها، هم‌فازی دستگاه‌ها و تقسیم کار و انجام اقدامات مستقیم و امنیتی، فنی، انتظامی و می‌شد. روش‌ها و ابزار اطلاعاتی، امنیتی، فنی، انتظامی و آزمایشگاهی متعدد، متنوع و گوناگون به کار گرفته شدند. علاوه بر بررسی‌های معطوف به صحنه‌ها و نمونه‌ها، به‌طور همزمان با تحت نظر داشتن کانون‌ها و سوززه‌های مظنون و گستردن توره‌های متعدد امنیتی و پایش‌های متنوع فنی، تصویری و جمع‌آوری‌های تخصصی اطلاعاتی از محیط‌های هدف، هرگونه احتمال هر چند کوچک و ناچیز مورد رصد قرار می‌گرفت. درباره نمونه‌ها، همزمان با بررسی نمونه مواد مشکوفاه در آزمایشگاه‌های معتبر کشور و وزارت بهداشت و درمان، همان نمونه‌ها در آزمایشگاه‌های ویژه وزارتخانه‌های اطلاعات و دفاع و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مورد واکاوی قرار می‌گرفت.

۴- علل و عوامل کشف شده در ایجاد یا احساس بدحالی در آموزشگاه‌ها، در پی عملیات همه‌جانبه فوق‌الاشاره، به‌طور متوالی علل بسیاری از رویدادهای کشف و ثابت می‌شد که علت‌ها نه از گونه‌های پیچیده، و مواد استفاده شده نه از انواع سموم، بلکه غالباً مواد، ابزار و انگیزه‌های بسیار بسیطی موجب بروز ادعاهای بدحالی شده بودند. با این حال و برای